

تبصره سیاسی

فقیرمحمد ودان

19 نوامبر 2012

# باز هم خون و آتش در غزه

## مسئول کیست؟

بنابر تحریکات پیچیده ، در غزه - منطقه فلسطینی تحت اداره حماس - یک بار دیگر وضعیت خونینی شکل گرفت که مانند همیشه مردمان بی دفاع ساکن این منطقه ، قیمت آن را با جان و خون ، ویرانی و شعله های برخاسته آتش از خانه ها و برپادی هست و بود شان پرداخته و می پردازند . در تحریکات و شکل گیری این وضعیت ، نه تنها و اکثراً دولت اسرائیل تحت رهبری بنیامین نتانیاهو ، بلکه حماس و بخصوص سازمانک های متحد افراطی تر آن ( جهاد اسلامی ، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و گروه سلفی ها) نیز سهمی متناسب به امکانات شان داشته اند .

حماس و متحدین افراطی تر آن ، نه تنها وابستگی های عمیق خارجی دارند ، بلکه در ساختار های سیاسی و نظامی آنها ، نفوذ مخفی سازمانهای مختلف استخباراتی منطقه و فرمانطقه نیز زمینه گسترده داشته است . لجاجت رژیم برسر اقدار صهیونیستی اسرائیل و نفوذ گسترده دول و سازمانهای استخباراتی در ساختارهای سیاسی و نظامی فلسطینی ، بخصوص در حماس و متحدین آن ، نه تنها حل کامل و بنیادی مسئله فلسطین را هرچه بیشتر پیچیده و دشوار نموده ، بلکه تشخیص مسوول آغاز این موج از فاجعه و جنگ را نیز در لایه های انبوه از چرخهای تبلیغات مغرضانه ، مفقود نموده و ذهنیت های مردم جهان را بخاطر انسجام فکتور ها جهت شکلگیری قضاوت های شان ، با تردد مواجه نموده اند .

با توجه به حقایق متبارز اوضاع سیاسی در آستانه آغاز فاجعه کنونی در غزه ، ارتباط این حقایق با همدیگر و تحلیل آنان ، میتوان به این نتیجه گیری صحه گذاشت که محرکین اصلی فاجعه کنونی رژیم صهیونیستی اسرائیل و رژیم آخوندی جمهوری اسلامی ایران اند . هریک از آنان در قبال تحریک و تعمیم این فاجعه ؛ اهداف و منافع خود را داشته اند :

سیر انکشاف وضعیت سیاسی و نظامی در فلسطین ، در اسرائیل ، در عده یی از کشورهای عربی از جمله در مصر و سوریه و همچنان در ترکیه و ایران ، موضع گیری های جدید سیاسی و نظامی

را باعث گردیده اند که بی تاثیر بر دیدگاه و مواضع برخی از کشورها و حلقات پرقدرت جهانی دخیل در اوضاع شرقمیانه بوده نمیتوانست و چنانچه شواهد نشان داد بی تاثیر نبود. این وضعیت، اهدافی را هم در برابر رژیم صهیونیستی و هم در برابر رژیم آخوندی مطرح نمود که دستیابی به آنان، تحریک و تعمیل فاجعه کنونی در غزه را ایجاب مینمود.

اسرائیل از تحریک و تعمیل این موج از خون و آتش در غزه، دستیابی به کدام اهداف را در نظر داشت؟

- ایجاد فضای متشنج، بمنظور جلوگیری از آغاز مذاکرات احتمالی مستقیم میان ایالات متحده امریکا و جنبش حماس.

- برهم زدن آن فضای نسبتاً مساعد بین المللی؛ که حکومت خودگردان فلسطین تحت رهبری محمود عباس را قادر می ساخت تا در آینده قریب پیشنهاد حضور نماینده این اداره را در سازمان ملل متحد بحیث عضو ناظر، مطرح نماید.

- امحای ذخایر اسلحه ثقیل، بخصوص ذخایر راکتی - منجمله و بخصوص راکت های فجر 5 با توانمندی هدف قرار دادن بیت المقدس و تل ابیب - که طی مدت متارکه انبار گردیده و اسرائیل از موجودیت آن در غزه اطلاع داشته است.

- آزمایش و امتحان چگونگی مؤثریت سیستم دفاعی ضد راکتی اسرائیل بنام «گنبد آهنین» که ضرورت ساختن آن بعد از برخورد نظامی چند سال قبل اسرائیل با حزب الله لبنان مطرح و با مصرف ملیارد ها دالر قسمت های عمده آن تکمیل گردیده است.

- تقویت مواضع بنیامین نتانیاهو در بدست آوردن آرای هرچه بیشتر شهروندان اسرائیل در انتخابات قریب الوقوع.

باید تذکار نمود که دولت کنونی اسرائیل بخوبی میداند که حذف کامل حماس از وضعیت سیاسی و نظامی غزه، به ذات خود به تقویت مواضع سازمان به مراتب افراطی تر جهاد اسلامی می انجامد که این سازمان - بعد از تبارز نزدیکی رهبری حماس با دولت های اعتدالی اسلام گرای مصر و ترکیه و مخالفت شان با مواضع ایران در قبال وضعیت کنونی سوریه - رابطه نزدیک را کماکان با جمهوری اسلامی ایران حفظ نموده است. به این ملحوظ می باید دولت اسرائیل حد عملکرد خونین کنونی خود را در ضدیت با حماس محاسبه نموده باشد.

همچنان در نتیجه در اوضاع سیاسی و نظامی شکل گرفته فوق الذکر در آستانه آغاز فاجعه کنونی غزه، رژیم آخوندی نیز اهدافی را در نظر داشت که میتوانست با تحریک و تعمیل فاجعه کنونی، دستیابی به این اهداف را مطمح نظر داشته باشد. این اهداف عبارتند از:

- به نمایش گذاشتن توان نظامی سازمان جهاد اسلامی و در نتیجه تبارز حضور مجدد و مؤثر جمهوری اسلامی ایران - بعد از موضعگیری فوق الذکر حماس در مخالفت با ایران - در نزدیکترین فاصله با سرزمین تحت قلمرو دولت اسرائیل، تا بدینوسیله ترس و وحشت در میان اتباع دولتی ایجاد نماید که اینک تهدید بالقوه نظامی علیه تاسیسات ائومی ایران محسوب میگردد.

- با تحریک ذهنیت های عامه جوامع اسلامی، تحت فشار قراردادن رهبری آنده کشورهای اسلامی - بخصوص مصر و ترکیه - که برخلاف مواضع و منافع ایران، سیاست های ضد رژیم بشار

اسد در سوریه را فعالانه پیش می برند و بدین طریق مجبور ساختن آنان تا با تضعیف اقدامات ضد رژیم بشار اسد ، مواضع فعالتر علیه اسرائیل اتخاذ و تبارز دهند .

- برگرداندن توجه جهانیان و رسانه های جمعی جهانی از حوادث سوریه - که با تقبیح عملکرد رژیم بشار اسد و نقش جمهوری اسلامی ایران درین وضعیت توأم است - به حوادث خونبار غزه ، توأم با تقبیح نقش دولت اسرائیل در تحریک و جریان این فاجعه .

- برگرداندن توجه جهانیان از وضعیت سیاسی و اقتصادی اسفبار ایران به غزه و همچنان تحت فضای تبلیغاتی ناشی از این وضعیت ، جلوگیری از تعمیق هرچه بیشتر اختلافات در سطح بلند رهبری رژیم آخوندی .

رهبری رژیم آخوندی به خوبی میداند که با سقوط رژیم بشار اسد در سوریه ، نمیتواند از ریزرف های حزب اللهی خود در لبنان نیز حمایه مؤثر نموده و در نتیجه درک مینماید که حلقه تهدید علیه آن هرچه تنگتر گردیده و درینصورت پیکانهای تهدید را در تهران به استقبال خواهد نشست . بدین ملحوظ بی جهت نیست که با بکاربرد تمام امکانات و حیلها ، منجمله با پرداخت های بزرگ به دولت چین و فدراتیف روسیه و حتی با قربان نمودن جهاد اسلامی در غزه ، تلاش می نماید تا امکان دفاع از رژیم بشار اسد و تدام عمر آن را تامین نماید .

در خلال این بازی های ضد انسانی ، این مردم بیدفاع فلسطین اند که پیوسته قربانی می شوند . حقایق تلخ همه مؤید آن اند که فاجعه کنونی ، فاجعه اول نیست و متأسفانه آخر هم نخواهد بود .